

مجله‌ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال نهم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۹۷ (پیاپی ۱۸)

بررسی و طبقه‌بندی تصاویر مربوط به مفهوم خدا در شعر کودک (براساس طبقه‌بندی ایماژهای سه‌گانه تخیلی-واقعی، تخیلی-کنشی و توصیفی)

جهانگیر صفری**

سجاد نجفی بهزادی*

زیبا علیخانی****

معصومه مهری قهفرخی***

دانشگاه شهرکرد

چکیده

کودکان تصویر متفاوتی از خداوند در ذهن دارند و همواره نسبت به شناخت او کنجکاو هستند. این کنجکاوی اغلب به صورت پرسش‌های مداوم خود را نشان می‌دهد. آن‌ها به دنبال تصویری روشن و اقناع‌کننده درباره مفهوم خداوند هستند. ادبیات به عنوان یک رسانه می‌تواند کودک را در این شناخت یاری دهد. شاعران کودک هر کدام به سبک خاص خود تصویری از خداوند ارائه کرده‌اند. هدف این پژوهش بررسی و نقد تصویر خداوند در شعر کودک است. روش تحقیق به صورت تحلیل محتواست. در این پژوهش مواردی مانند بسامد القاب و عناوین خداوند، طبقه‌بندی نوع ایماژها و بسامد اشعار مربوط به مفهوم خداوند بررسی شده‌اند. از میان ۳۰ شاعر (۹ زن و ۲۱ مرد) و ۱۲۰ اثر، تنها در ۴۰ قطعه شعر به مفهوم خداوند پرداخته شده که اغلب تکراری و کلیشه‌ای هستند. در میان پدیده‌ها، بیشتر از زیبایی‌های طبیعت به عنوان نشانه‌هایی برای خداشناسی بهره گرفته‌اند. اکثر اشعار مربوط به خدا در شعر کودک، بر موضوعات حاشیه‌ای متمرکزند و کمتر مشاهده شده که شاعر مستقیماً با خدا گفت‌وگویی داشته باشد یا دست به ستایش شاعرانه‌ی او بزند. ایماژهای دسته‌ی اول (ایماژهای توصیفی) در مقایسه با ایماژهای واقعی-تخیلی و تخیلی-کنشی بسامد بیشتری داشته‌اند. واژه‌های کلیدی: ایماژهای توصیفی، پدیده‌های طبیعت تصویر خدا، شعر کودک.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی najafi23ir@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

** استاد زبان و ادبیات فارسی safari_706@yahoo.com

*** دانشجوی ارشد زبان و ادبیات فارسی mehrimasoomeh58@gmail.com

**** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی pretty1388@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۱۰

۱. مقدمه

انسان ذاتا به دنبال شناخت و جست‌وجوی خداوند است. کودک نیز بنابر فطرت خود همواره به دنبال شناخت خدای خویش است. «کودکان قابلیت ذاتی برای نقد دارند. آنان به گونه‌ای غریزی سوال می‌کنند، پاسخ می‌دهند، مقایسه و قضاوت می‌کنند... از جمع‌آوری اطلاعات لذت می‌برند و همچون یک صاحب‌نظر، تیزبین و دقیقند.» (استیونز، ۱۳۸۷: ۱۲۲) دغدغه بسیاری از والدین و مربیان پرورشی، شناخت مفهوم خداوند و پاسخ دادن به پرسش‌های بی‌شمار کودک درباره هستی و موجودیت خداوند است. سال‌های اول زندگی کودک فرصت مناسبی برای رشد و افزایش اطلاعات دینی اوست. در این باره حضرت علی (ع) می‌فرمایند: قلب کودک مانند زمین خاکی و گیاهی است که هر چه بر او عرضه شود، می‌پذیرد.

جایگاه و مکان خداوند در عالم هستی؛ همواره یکی از پرسش‌های بنیادی ذهن کودک است. کودک مخاطب به دلیل سطح فکر و شرایط سنی، خدا را به صورت عینی درک می‌کند. او اغلب جایگاه خداوند را آسمان می‌داند. چرا که بزرگسالان هنگام کمک گرفتن از خدا رو به سوی آسمان می‌کنند. این نوع نگرش و تصویر کودکانه، تاییدی بر عظمت و بزرگی خداوند است. ادبیات به عنوان یک رسانه تصویری می‌تواند کودک را در درک و شناخت مفهوم خداوند یاری کند. یکی از کارکردهای ادبیات به خصوص کودک و نوجوان، پرورش حس دینی بچه‌هاست. تشویق کودکان به تفکر درباره‌ی جهان پیرامونشان و تقویت انگیزه‌ی خداشناسی آنها، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات کودک و نوجوان دارد. در اغلب کتاب‌هایی که درباره‌ی هدف‌های غایی ادبیات کودک و نوجوان بحث شده «پرورش حس مذهبی» کودکان مورد توجه ویژه قرار گرفته است. «هدف‌های غایی را در شش عنوان می‌توان گنجانند: شناخت خود، شناخت خلق، شناخت خلقت، شناخت خالق، شناخت رابطه‌ی پدیده‌های خلقت با خالق و شناخت رابطه‌ی خالق هستی با خلق.» (نعمت‌اللهی، ۱۳۸۹: ۳۸)

مفهوم خدا در زندگی کودک به شکل‌های مختلفی نمود پیدا کرده است. ادبیات کودک وسیله خوبی برای ارائه تصویری روشن و جذاب از خداوند است. «رشد دینی - مذهبی کودک مانند رشد فیزیکی، احساسی و ذهنی یک فرآیند تدریجی است و تفکر کودک درباره خداوند نیز به صورت تدریجی شکل نهایی خود را پیدا می‌کند.» (رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۴) شعر به عنوان یکی از گونه‌های ادبی، کارکرد مؤثری در شناخت

خدا دارد. با بررسی اشعار گروه سنی کودک می‌توان شاعران را در ارائه تصویر مناسب از خداوند یاری کرد. اشعار انتخاب شده در این پژوهش برای گروه سنی «ب و ج»؛ کودکان سال‌های اول و آخر دبستان است. کودکان ۱۰ تا ۱۲ سال خدا را درک می‌کنند. او را منشأ نظم در جهان می‌دانند؛ همچنین آن‌ها در پی برقراری ارتباط نزدیکی با خداوند هستند.» (رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۷۳) کودک سال‌های اول دبستان، خداوند را به صورت انسان تصور می‌کند و کم‌کم کنجکاوی وجود او را فرا می‌گیرد و منجر به فعال شدن حس خداجویی در او می‌شود. خالق هستی همه‌ی عناصر و پدیده‌های جهان را به گونه‌ای منظم و هدفمند در خدمت انسانها قرار داده است تا نشانه‌هایی برای پاسخ به خداجویی فطری انسان‌ها فراهم آورد. شناخت آفریده‌ها راهی برای شناخت آفریدگار هستی است. از طرفی نیز تدبیر و تفکر در پدیده‌ها، رسیدن به شناخت را هموارتر می‌کند. با توجه به اهمیت مسأله خداشناسی و کنجکاوی کودکان در شناخت خدا، این پژوهش تلاش می‌کند، تصویر خدا را در مجموعه اشعار کودکان بررسی کند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- شاعران از چه مفاهیمی برای طرح موضوع «خدا» در شعرهایشان استفاده کرده‌اند؟
- آیا در شعر کودک مفهوم خداشناسی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است؟
- از نظر زیبایی‌شناسی، ایماژهایی که در این گونه شعر استفاده شده است چگونه‌اند؟ (توصیفی، تخیلی یا تخیلی-کنشی)

۱-۱. پیشینه‌ی پژوهش

در مورد بررسی و نقد تصویرهای خدا در شعر کودک تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ اما درباره‌ی خداشناسی و مفهوم خدا در شعر کودک پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

کتاب *از این باغ شرق از پروین سلاجقه*، (۱۳۸۵). این اثر مجموعه‌ای از نظریه‌ها و ابزارهای نقد در حوزه نقد ادبی معاصر است که تلاش دارد تا زمینه‌هایی برای شناسایی نقد شعر کودک و نوجوان فراهم کند. قسمت‌هایی از این کتاب به تصاویر شعری مربوط به مفهوم خداوند پرداخته است. مقاله‌ی «مفهوم کودکانه‌ی خدا در شعر معاصر ایران و امریکا»؛ سعید رحیمیان و همکاران، مجله *فلسفه دین* (۱۳۸۹) در این مقاله بیشتر به تفاوت مفهوم خداوند در شعر اشعار کودک ایران و امریکا با نگرشی روانشناختی، فلسفی پرداخته شده است. مقاله‌ی «بررسی شعر کودک از دیدگاه خداشناسی»، سیدفریده احمد

پویان، کتاب ماه کودک و نوجوان (۱۳۹۰) مقاله «تعاملی در سطح فکری شعر کودک و نوجوان»، طاهره سیدرضایی طاهره حسنی، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر (۱۳۹۰) در این مقاله نشان داده شد که علاوه بر طبیعت‌گرایی رگه‌هایی از عرفان هم در شعر کودک دیده می‌شود، نوعی نگاه وحدت وجودی. مقاله‌ی «بررسی راه‌های خداشناسی در کتاب‌های شعر کودکان و نوجوانان»، سودابه شکرالله‌زاده و فریبا خوشبخت، مجله تربیت اسلامی (۱۳۹۱) پایان‌نامه‌ی بررسی مفهوم خدا در شعر کودک و نوجوان ایران با تکیه بر آثار شاعران برجسته دوران انقلاب اسلامی، پرنیان زارع‌پور، دانشگاه علامه طباطبایی (۱۳۹۱) مقاله‌ی «تحلیل و بررسی خداشناسی در ادبیات داستانی کودک»، همایش زبان‌شناسی تهران؛ (۱۳۹۵) در مقاله فوق نیز به تمام مواردی که کودک را در شناخت خداوند یاری می‌دهد، اشاره شده است. پایان‌نامه بررسی آسیب‌شناسی شگردهای خداشناسی در ادبیات کودک دهه هشتاد، فاطمه زارع، دانشگاه شیراز (۱۳۹۵). پژوهش حاضر به نقد و بررسی تصویر خداوند در شعر کودک می‌پردازد. طبقه‌بندی تصاویر مربوط به مفهوم خداوند بر اساس تقسیم‌بندی سه‌گانه (ایماژهای توصیفی، واقعی - تخیلی و تخیلی - کنشی) پروین سلاجقه (۴/ این باغ شرقی) و مشخص نمودن بسامد تصاویر، وجه تمایز تحقیق حاضر با سایر پژوهش‌های ذکر شده است.

۲-۱. نمونه‌های پژوهش

همه آثار مورد بررسی در این پژوهش از انتشارات کانون پرورش فکری کودک و نوجوان انتخاب شده‌اند. اشعار ۳۰ شاعر برجسته کودک مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. عدم دسترسی به همه‌ی آثار شاعران موجب شد تا منابع مورد بررسی این پژوهش به آثار منتشر شده از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان محدود شود.

۳-۱. روش تحقیق

روش پژوهش به صورت تحلیل کمی و کیفی محتوای آثار نویسندگان است. در روش تحلیل کمی محتوای آثار، به شمارش فراوانی حضور یک واحد تحلیلی مانند یک واژه یا مضمون متن توجه می‌شود و در بررسی کیفی به تحلیل داده‌ها و آزمون‌ها برای کشف معنا پرداخته می‌شود. (ساروخانی، ۱۳۸۶: ۲۹۶) در این پژوهش، تصاویر مربوط به مفهوم خدا

در اشعار شاعران برجسته کودک براساس تقسیم بندی سه گانه ایماژ در کتاب *از/این باغ شرقی* (ایماژهای توصیفی، تخیلی - واقعی و تخیلی - کنشی) بررسی و طبقه بندی شدند.

۲. اشعار با موضوع خداوند

در شعر شاعران، خداوند و مفاهیم مربوط به آن کمتر دیده می‌شود. در اغلب شعرها مفهوم خداوند در قالب جمله‌های دعایی است. مجموعه‌های شعری با موضوع خداوند کمتر دیده می‌شود. موضوع‌های مطرح شده نیز اغلب تکراری و کلیشه‌ای هستند. در شعر زیر می‌خوانیم: «بیل می‌زند پدر/ باغ‌های پسته را/ روی دست‌های او/ زخم‌های تازه است/ توی قلب مادرم/ یک دعای تازه است/ ای خدا به دست او/ قدرت و توان بده» (هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۳) موضوع شعر درباره تلاش و کوشش پدر است. مادر از خدا می‌خواهد به دست‌های پدر توان و قدرت بدهد. این گونه شعرها بسامد فراوانی دارند. شاعر در پایان شعر از خداوند استمداد می‌طلبد. «خدا تو شادمان کن/ دل کلاغ ما را/ ببین شنا بلد نیست/ خنک بکن هوا را.» (هاشم‌پور، ۱۳۹۰: ۹) شعر درباره کلاغی است که شنا کردن بلد نیست. شاعر از خداوند می‌خواهد هوا را برای کلاغ خنک کند.

۲-۱. اشاره غیرمستقیم به مفهوم خدا

برخی از شعرها هم به صورت غیر مستقیم و در قالب الفاظ و کلماتی خاص به خداوند اشاره می‌کنند. کلماتی مانند: دعا، نماز، روزه، اذان، مسجد و... «ماه و شب و ابر و ستاره/ گویند وقت خواب ناز است/ تا صبحدم برخیزی از خواب/ وقتی که هنگام نماز است» (رحماندوست، ۱۳۷۶: ۲۹) نمونه‌ای زیر از این دسته‌اند: «پر می‌کشد دل من/ مثل کبوتر، آنجا/ عطر خوش اذانش/ پر کرده سینه‌ام را» (ماهوتی، ۱۳۸۵: ۱) «دوخته برام مادرم/ یه جانماز کوچک/ گوشه‌ی جانمازم/ دوخته دو تا شاپرک» (شعبان‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳) «این باغ اسمش/ قرآن زیباست/ هرآیه در آن/ چون غنچه پیدا است» (خدادوست، ۱۳۹۱: ۱۲)

۲-۲. خداوند در عناصر طبیعت

«ما همه چون درختیم و برگیم/ زندگی مان بهاری سلامت/ فصل پاییز ما مردن ماست/ تا بیاید بهار قیامت» (رحماندوست، ۱۳۷۶: ۴۹)

«چون قلب کرده‌ام / دارم احساس گناه / برگه‌ی من پر شده / از لغات روسیاه» (بکتاش، ۱۳۹۱: ۲۲)؛ «باغ سرسبز من / با بهاری جاوید / رمز سرسبزی را / دیده‌ام در توحید» (رحماندوست، ۱۳۷۶: ۲۷)

۲-۳. اشاره مستقیم به مفهوم خدا

برخی موارد به صورت مستقیم به خداوند اشاره دارند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «بال، اگر مال پریدن نبود / بال پریدن نبود / بال بود. / سیب اگر فکر رسیدن نبود / قابل چیدن نبود / کال بود. / سیب‌ها در گذر ثانیه‌ها می‌دوند / راستی آیا به کجا می‌رسند؟ / بال‌ها / روی پر ثانیه‌ها می‌پرند / راستی آیا به خدا می‌رسند؟» (رهنما، ۱۳۹۲: ۶) شعر فوق کنجکاوای کودک را بر می‌انگیزد و او را در مسیر شناخت خداوند قرار می‌دهد. «اجازه گل بدهم؟ / که بود گفت این را؟ / که بود دستش را / گرفت سوی خدا؟ / درخت بود انگار / همان که این را گفت / خدا اجازه که داد / شکوفه کرد و شکفت / سر کلاس بهار / درخت تنبل نیست / صد آفرین به درخت / که نمره‌اش شد بیست» (حسینی، ۱۳۸۴: ۱) همه چیز با اجازه خداوند انجام می‌شوند. شاعر در یک تصویر زیبا کودک را با این مساله آشنا می‌کند. درخت با اجازه خداوند شکوفه می‌کند. تنبلی نکردن درخت در شکوفه کردن برای کودک جالب و قابل تأمل است.

«با تو هستم ای خدا / ای خدای مهربان / ای مدیر فصل‌ها / خالق رنگین کمان / نامه‌ی هر غنچه را / وانکرده خوانده‌ای / تمبر پروانه را / روی گل چسبانده‌ای / می‌توانی غنچه را / خنده درمانی کنی / روی بال شاپرک / گرده-افشانی کنی / هر گل صدبرگ را / اول فصل بهار / کرده‌ای سنجاق با / سوزن ته گرد خار» (بکتاش، ۱۳۹۱: ۲۴)

«در مجموعه اشعار شاعران به شعرهایی می‌توان اشاره کرد که موضوع اصلی آنها چیز دیگری است، منتها واژه‌ی خدا به مناسبتی در آنها آمده و با موضوع اصلی ارتباط پیدا کرده است. در این گونه شعرها حضور خداوند گاه پر رنگ و گاه کم رنگ است» (حداد، ۱۳۸۱: ۲۳۳)

در جدول شماره ۱ و ۲ می‌توان بسامد اشعار با موضوع خداوند را مشاهده کرد. در جدول شماره ۱ تعداد شعر هر شاعر به صورت مجزا مشخص شده و در جدول شماره ۲ به صورت کلی به مجموعه‌های مستقل شعری درباره خدا و مجموعه‌هایی که به مفهوم خدا اشاره کرده‌اند، سخن رفته است.

جدول شماره ۱ بسامد شعرهایی با مضمون خدا در آثار هر شاعر

ردیف	نام شاعر	تعداد شعر	ردیف	نام شاعر	تعداد شعر
۱	مصطفی رحماندوست	۲۲	۱۶	بابک نیک طلب	۳
۲	جعفر ابراهیمی (شاهد)	۱۸	۱۷	افشین علا	۳
۳	ناصر کشاورز	۱۴	۱۸	پروین دولت آبادی	۲
۴	داود لطف الله	۱۲	۱۹	غلامرضا بکتاش	۲
۵	احمد خدادوست	۱۰	۲۰	شاهین رهنما	۲
۶	افسانه شعبان‌نژاد	۸	۲۱	احمد زارعی	۲
۷	اسدالله شعبانی	۶	۲۲	علی میرزاییگی	۲
۸	محمدحسن حسینی	۶	۲۳	صفورا نیری	۱
۹	مریم اسلامی	۵	۲۴	مجید ملامحمدی	۱
۱۰	مریم هاشم پور	۳	۲۵	سید سعید هاشمی	۱
۱۱	شکوه قاسم نیا	۳	۲۶	غلامرضا آبروی	۱
۱۲	منیره هاشمی	۳	۲۷	بیوک ملکی	۱
۱۳	مهری ماهوتی	۳	۲۸	زهرا داوری	۱
۱۴	محمود کیانوش	۳	۲۹	اسماعیل الله دادی	۱
۱۵	ظاهر شهابی	۳	۳۰	کاظم مزینانی	۱

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که از میان تعداد اشعار هر شاعر چه تعداد به صورت مستقل و غیرمستقل به ارائه تصویر خداوند پرداخته‌اند. بیشترین شعر با مفهوم خداوند در آثار رحماندوست، ابراهیمی (شاهد) و ناصر کشاورز است. به نظر می‌رسد که شاعران باید به موضوع خداوند و ارائه تصویری مناسب از آن در شعر توجه بیشتری نشان دهند. چرا که یکی از موضوعات مهم و حساس برای کودک، شناخت خدا و پاسخ به پرسش‌هایی است که در ذهن دارد. اغلب اشعار تصاویر کلیشه‌ای از مفهوم خداوند ارائه کرده‌اند.

جدول شماره ۲

۱	کل مجموعه‌های بررسی شده	۱۲۰ مجموعه شعر
۲	مجموعه‌های مستقل	۳
۳	مجموعه غیر مستقل	۴۵
۴	تعداد شعرها با مضمون خدا	۴۳ قطعه شعر
۵	تعداد شاعران	۳۰ (۱۰ خانم/۲۰ آقا)

از میان ۱۲۰ مجموعه شعری (که ممکن است هر کدام شامل چند شعر کوتاه باشد) فقط ۳ مجموعه شعری مستقل در باره خدا وجود دارد که این تعداد در مقایسه با تعداد ۳۰ شاعر بسامد بسیار کمی است. نکته‌ی دیگر اینکه از میان چندین قطعه شعر فقط ۴۳ شعر کوتاه به صورت مستقل درباره خدا سروده شده است. اغلب اشعاری که خداوند را به تصویر کشیده‌اند، از نظر صورخیال و تصویرپردازی ضعیف بوده‌اند. استفاده از کلیشه‌ها و کاربرد تعابیر و تصاویری تکراری از دیگر آسیب‌های موجود در برخی از اشعار بود. برای مثال به نمونه زیر توجه کنید: «به روی سر ما / آسمان آبی / خورشید روشن / روز آفتابی / چشمه‌ی نور» (رحماندوست، ۱۳۷۶: ۱۱)؛ به کاربردن ابیات فاقد تخیل و عدم استفاده از کلام شاعرانه و ساده‌انگاری و در نظر نگرفتن ذات‌های تخیلی کودک و در واقع تنها توجه کردن به کلام منظوم؛ بدون استفاده از صناعات و آرایه‌های ادبی، یکی دیگر از آسیب‌های موجود بود. برای نمونه به شعر زیر توجه کنید: «از آب آن بروید / گل‌های خوب و خوش بو / باغ و درخت و میوه / سیب و انار و آلو» (همان، ۲۴)

۳. بررسی تصویر خدا در شعر کودک

در این قسمت به بررسی تصویر خداوند در قالب الفاظ و عناوین و صفات پرداخته شده است. صفات و عناوین پر بسامد در جدول مشخص شده‌اند.

۳-۱. ارائه تصویر خدا در صفات و عناوین

در اشعار بررسی شده، اسم خداوند با عناوین مختلف و همراه با صفات گوناگون بیان شده است. القابی چون؛ خداوند، خدایا، خداجان، ای خدا بیشترین بسامد را دارند. ترکیبات وصفی نیز بسامد نسبتاً زیادی دارند. در جدول شماره ۳ بسامد الفاظ و صفات مشخص شده است.

صفات به کار رفته در شعر کودک اغلب از صفات جمال خداوند هستند. صفاتی چون بخشنده، مهربان، خوبی‌ها، زیبایی و بزرگی. صفات جمال خداوند با روحیه لطیف و طبیعت مهربان کودک نیز سازگاری دارد. این صفات بیشترین بسامد را در اشعار کودکان دارند. «با تو هستم ای خدا! / ای خدای مهربان / ای مدیر فصل‌ها / خالق رنگین‌کمان» (بکتاش، ۱۳۹۱: ۲۴)

«نصفش برای مورچه / نصفش برای یاکریم / شاید خدا می‌خواسته / یک دانه را قسمت کنیم» (هاشم‌پور، ۱۳۹۳: ۳۲)

جدول شماره ۳ عناوین و صفات خداوند در شعر کودک

ردیف	صفات و عناوین خداوند در شعر	تعداد
۱	خدا	۸۹
	مهربانی	۲۰
۲	خالق بودن	۲۲
	خداجان	۱۸
۳	بزرگی ضمیر او	۱۴
	ضمیر تو	۱۲
۴	خوبی	۱۰
۵	خداوندا	۹
	یکتایی	۵
۶	بخشنده‌گی	۵
۱۰	یارب	۴
۱۱	الله	۴
۱۳	یکتا وجود برتر	۲
۱۷	قهر و خشم	۲

از صفات جلالی خداوند (قهر و خشم و...) کمتر استفاده شده است. کودک باید با صفات جلالیه خداوند نیز آشنا شود. کاربرد زیاد صفات جمالی خداوند در شعر شاعران نشان از اهمیت کارکرد عاطفه در شعر کودک دارد. شاعران سعی می‌کنند خدا را با صفات مهربانی و نیک‌خواهی‌اش مانند، مهربانی، بخشنده‌گی به کودک معرفی کنند. در شعر زیر، شاعر سیل جوشان امت را به خشم خداوند تشبیه کرده است: سیل فریاد الله‌اکبر / در تمام وطن گشت جاری / سیل جوشان امت زهر جا / شد روان / مثل خشم خداوند. (ابراهیمی شاهد، ۱۳۶۵: ۱۶) می‌توان با ارائه صفات جلالی خداوند، کودک را با تمام مظاهر خداوند و قدرت او آشنا و خدانشناسی او را کامل‌تر کرد. گاهی خدا در قالب ضمیر مورد خطاب قرار می‌گیرد. «دلم به جست‌وجوی تو / به هرچه سر کشیده است / تویی تمام هر چه هست / تویی تمام هرچه نیست.» (کشاوری، ۱۳۷۷: ۶)

با کاربرد و بسامد بالای ضمیر «تو» در شعر کودک و خطاب قرار دادن خداوند با این ضمیر، می‌توان فاصله ذهنی کودک با خداوند را کمتر کرد. در جدول شماره ۳ بسامد ضمیر تو چندان زیاد نیست.

۳-۱-۱. تصویر خداوند در پدیده‌ها

یکی دیگر از جلوه‌های عظمت خداوند، پدیده‌های طبیعت است. شاعران برای ارائه فهم و درک روشن از مفهوم خداوند، از عناصر زنده و ملموس طبیعت استفاده کرده‌اند. طبیعت یکی از راه‌های شناخت خدا و مشاهده عظمت اوست. «شاعران برای نزدیک شدن به ذهن کودک از طبیعت کمک گرفته‌اند. چون می‌دانند نزدیکی به طبیعت برابر است با نزدیکی به ذهن و دنیای پاک کودک» (سیدرضایی و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۶۲)

جدول شماره ۴ بسامد انعکاس تصویر خدا در پدیده‌ها

تعداد	پدیده‌ها	تعداد	پدیده‌ها	تعداد	پدیده‌ها
۱۳	شاپرک	۲۶	باران	۴۸	گل
۱۲	دعا	۲۵	خورشید	۴۷	رنگ سبز
۸	پاییز	۲۴	شاخه	۴۰	ابر
۸	جانماز	۲۳	نماز	۴۰	رود
۶	رعد و برق	۲۳	شب	۳۷	باغ
۶	شکوفه	۱۹	غنچه	۳۷	موج
۵	مسجد	۱۷	برگ	۳۵	آسمان
۵	پنجره	۱۶	زمین	۳۳	درخت
۳	مهر.	۱۴	پرنده	۳۳	باد
۳	سبزه	۱۴	پروانه	۳۰	بهار
۳	وضو	۱۵	میوه	۲۸	سیب
۳	اذان	۱۳	صبح	۲۶	آب

پدیدار شدن خدا در مخلوقاتش، یکی از بارزترین تصاویر شعری کودک است. خدا در آسمان، زمین، خورشید، ماه، درخت، برگ و... لطف و مهربانی خویش را به بندگانش عطا می‌کند. شاعران برای عینی و ملموس‌تر کردن تصویر خداوند برای کودک، از پدیده‌های طبیعت استفاده کردند. رویمود معتقد است «خداوند در تمامی پدیده‌ها جلوه‌گر

می‌شود. او از کودک می‌خواهد خدا را در بادهایی که برگ‌ها را به حرکت در می‌آورد، پیدا کنند» (به نقل از رحیمیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۰)

خدا از آنچه کودک فکر می‌کند به او نزدیک‌تر است. او همه‌جا حضور دارد و هر لحظه در پدیده‌ای جلوه‌گر می‌شود. در یک قطره باران، در یک سیب، در برگ یک درخت. مصطفی رحماندوست می‌گوید: «هر گیاه گوشه‌ای / غنچه‌ی لب را گشود / بی‌زبان / بی‌دهان / خالق خود را ستود.» (رحماندوست، ۱۳۷۶: ۴)

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۴ می‌توان گفت که شاعران برای ملموس‌تر کردن مفهوم انتزاعی خداوند، از پدیده‌های طبیعت کمک گرفته‌اند. «کودکان سنین پایین از نظر شناختی به سطحی از رشد نرسیده‌اند که بتوانند مفاهیم انتزاعی را درک کنند پس باید از محتواها و روش‌هایی استفاده نمود که با سطح رشد شناختی آنها متناسب باشد.» (خوشبخت و مزیدی، ۱۳۸۳: ۲۳)

اگر خداوند را آن‌گونه که بزرگترها درک می‌کنند، به کودکان هم نشان دهند و از مضامین و روش‌های تکراری استفاده شود، کودکان علاقه‌ای به یادگیری مفهوم خدا ندارند. اغلب شاعران توانایی ذهنی کودک را دست کم می‌گیرند. بهتر است از بیان غیرمستقیم کمک گرفت و خود کودک و توانایی‌های او را در شناخت خدا در نظر داشت. کودکان از معما و چیستان لذت می‌برند؛ شاید طرح پرسش در آماده‌سازی ذهن کودک برای شناخت مفهوم انتزاعی خداوند بی‌تأثیر نباشد.

ناصر کشاورز خدا را در همه چیز می‌بیند. «من دیده‌ام خدا را / در هر چه توی دنیاست / حس می‌کنم که گاهی / در ابرهای زیباست.» (کشاورز، ۱۳۹۳: ۱۶) خداوند در رنگ‌های مختلف نمود می‌یابد. با توجه به جدول شماره ۴ رنگ سبز در میان رنگ‌ها بیشتر بسامد را دارد. «هر لحظه با رنگ / شیرین و زیباست / زیرا خداوند / در رنگ پیدا است» (خدا دوست، ۱۳۹۱: ۱۸)

۴. انعکاس مفهوم خدا در صورت‌های خیال

یکی دیگر از راه‌های انتقال مفهوم خدا به کودک، استفاده از صورت‌های خیالی است. از میان صورت‌های خیال، تشبیه بیشترین کاربرد را در شعر کودک و ارائه تصویر خدا دارد. برای نمونه به چند مورد از کاربرد صورت‌های خیال اشاره می‌شود:

۴-۱. تشبیه

تشبیهات مربوط به تصویر خداوند اغلب محسوس هستند. شاعران برای ارائه تصویر روشن از مفهوم خدا از تشبیه حسی استفاده کرده‌اند.

صدای تو پرنده‌ای ست / شبیه پنبه‌های مه / صمیمی و بدون خش / و پاک چون هوای ده / صدای تو دل مرا / به سمت قبله می‌برد / دلم جز آسمان تو / به هیچ سو نمی‌پرد. (کشاورز، ۱۳۷۷: ۱۴) شاعر به شکل غیرمستقیم خدا را خطاب می‌کند. با استفاده از ضمیر تو و تشبیه صدا به ملموس‌ترین پدیده‌ها، کودک را به تأمل وادار می‌کند.

«تو می‌بری مرا به نور / به روستای آفتاب / درون سبز یک گیاه / و لابه لای صاف آب / تو مثل کفشدوزکی / چکیده‌ای ز چشم باغ / شبیه می‌شوی تو گاه / به غصه‌های یک کلاغ» (همان). در این شعر نیز خدا، در درون سبز یک گیاه، لابه لای آب و میان باغ جستجو می‌شود. شاعر عناصر طبیعت را به خدمت گرفته است تا پیوندی میان حس عاطفی مخاطب با خالق این زیبایی‌ها ایجاد کند. این نکته نیز یادآوری می‌شود که واژه‌های «باغ» و «کلاغ» در کاربردی متفاوت، فضایی متضاد ایجاد کرده است. باغی که کفشدوزک بالدار خال خالی، زیبایی‌هایش را بیشتر کرده و کلاغی که غصه‌دار و دل‌تنگ است.

«خدا کجاست؟ در همه جا / هم رو زمین هم تو هوا / یه وقت می‌شه جوونه / سر می‌زنه از دل تنگ دونه / یه وقت میشه پرنده / تو دل من می‌سازه آشیونه / تی تیک تی تیک می‌خونه» (شعبانی، ۱۳۸۵: ۱۳)

زیبایی این تصویر توجه کودک گروه سنی ب را به سمت جزئی‌تر دیدن اطرافشان جلب می‌کند. به گونه‌ای که با جوانه زدن یک دانه بسیار ریز یا پرنده‌ای که آشیانه می‌سازد به یاد آفریدگاری بیفتند که همه جا هست و همه چیز با هدایت او مسیر رشدش را طی می‌کند.

۴-۲. استعاره

استعاره در مقایسه با تشبیه، کاربرد کمتری دارد. شاید یکی از دلایل اصلی آن درک و دریافت مشکل آن به وسیله مخاطب کودک باشد. استعاره مکنیه (تشخیص) نسبت به انواع دیگر استعاره کاربرد بیشتری دارد. در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

«در غرش رعد / در ناله باد / در گریه ابر / در روی مهتاب / وقتی که خندید / هر گوشه دیدم / لطف خدا را.» (علا، ۱۳۷۷: ۲)

شاعر برای نشان دادن لطف و محبت خداوند از هنر جان بخشیدن به پدیده‌ها کمک می‌گیرد تا در نگاهی تازه کودک را به شکل غیرمستقیم و از زبان باد و ابر و مهتاب با خدا آشنا کند. زارعی در یک تصویر زیبا این گونه خدا را معرفی می‌کند: «الله اکبر را که گفتم/ دیدم که یاس کوچه هم گفت/ دیدم قناری کرد تکرار/ دیدم همان را غنچه هم گفت.» (زارعی، ۱۳۷۵: ۱۲)

«حرف و حرف و حرف و حرف/ حرف‌ها دارد زمین/ حرف‌های سبز و سرد/ حرف‌هایی آتشین/ نرم صحبت می‌کند/ از میان سنگ سخت/ حرف‌های سبز او/ می‌شود گاهی درخت/ حرف‌های داغ او/ می‌شود آتشفشان/ می‌رود بالای کوه/ می‌زند بیرون از آن/ موقع راز و نیاز/ حرف او زیباتر است/ غرق نور و زندگی/ تازه و پاک و تراست/ موقع راز و نیاز/ چشمه قل قل می‌کند/ بر لبش دارد زمین/ قل هو الله احد» (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۱) در شعر فوق شاعر به زیبایی و از طریق پدیده‌های طبیعی خدا را ستایش می‌کند. زمین حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. این حرف‌ها گاهی در قالب درخت خود را نشان می‌دهد و گاهی از دل جوشیدن چشمه کودک مخاطب از طریق این تصویرسازی می‌آموزد که همه آفرینش مدام در حال ستایش خداوند هستند. خدایی که در تمام موجودات و در تمام هستی جریان دارد.

بادبادک جان برو/ پر بزن در اوج، پر/ در میان آسمان/ دورتر شو، دورتر/ پر بزن خوشحال و شاد/ در میان آسمان/ میهمانی می‌روی؟/ هرچه می‌خواهی بمان/ آسمان مال خداست/ در دلش پرواز کن/ روی ماهش را ببوس/ ابر او را ناز کن.» (همان: ۲۱) در شعر فوق شاعر از دید کودک با بادبادک خود حرف می‌زند. از او می‌خواهد آزادانه در آسمان چرخ بزند. با آرامش پرواز کند. چرا که به مهمانی خداوند می‌روی. خداوند بزرگ و مهربان. شاعر، حرکت بادبادک‌ها میان ابرها را به بوسیدن آسمان و نوازش کردن ابر، مانند می‌کند و در یک تصویر زیبا و کودکانه علاوه بر لذت، آرامش را در با خدا بودن می‌داند. دیگر آرایه‌های ادبی نیز با بسامد کمتری در شعر کودک دیده می‌شود که در شعر زیر به چند مورد اشاره می‌شود: (ایهام، جناس و تکرار و..)

«خدا حتما به بره/ چریدن یاد داده/ زبان سرخ بره/ سرسبز علف را/ به دست باد داده/ خدا حتما به طوطی/ پریدن یاد داده/ زبان سرخ طوطی/ سرسبز پرش را/ به دست باد داده/ خدا حتما به میوه/ رسیدن یاد داده/ زبان سرخ غنچه/ سرسبز خودش را به دست باد داده.» (بکتاش، ۱۳۸۵: ۵) جناس: یاد- باد؛ تکرار واژه‌های: خدا حتما/ زبان سرخ/ سر

سبز / دست باد. مراعات نظیر: بره، علف، طوطی، پر، میوه، ایهام: رسیدن (رسیدن میوه - رسیدن). استعاره: دست باد.

در جدول شماره ۵ می‌توان بسامد آرایه‌های ادبی و صورت‌های خیالی را که شاعران برای ارائه تصویر خداوند استفاده کرده‌اند، مشاهده نمود.

جدول شماره ۵ بسامد آرایه‌های ادبی و صور خیال

بسامد	آرایه‌های ادبی و (صور خیال)	بسامد	آرایه‌های ادبی و (صور خیال)
۱۴	چیستان / سوال جواب	۱۶۰	تشبیه
۱۲	تضاد	۱۳۰	حسی / حسی
۱۲	واج آرایی	۱۲۰	مراعات نظیر
۱۲	مجاز	۱۰۰	استعاره
۵	عقلی به عقلی	۶۶	تشخیص
۴	حسی / عقلی	۲۶	عقلی / حسی
۴	تشبیه مضمّر	۲۲	اغراق
۳	تشبیه مرکب	۲۰	کنایه
۳	جناس	۱۶	ایهام

اطلاعات جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که شاعران کودک برای ارائه مفهوم و تصویر خداوند از آرایه‌های ادبی و صورت‌های مختلف خیال استفاده کرده‌اند. با این تفاوت که تشبیه بیشترین بسامد را دارد. از میان انواع تشبیه؛ تشبیه حسی بیشترین تکرار و کاربرد را داشته است. این مساله نشان می‌دهد که شاعران از تصاویر انتزاعی در ارائه تصویر خداوند چندان استفاده‌ای نکرده‌اند. درحالی که کودک گروه سنی «ب و ج» توانایی درک تصاویر انتزاعی را دارد. «کودکان پیش دبستانی اگر چه از درک زبان انتزاعی ناتوانند؛ اما مفاهیم انتزاعی را در فرآیند بازی و تصویر به خوبی درک می‌کنند. کودک مفاهیم انتزاعی را درک می‌کند و علت آن وجود دانش نهفته در کودک است.» (حاجی نصرالله، ۱۳۸۴: ۶۶) نکته دیگر اینکه استفاده زیاد از تصاویر محسوس به کلیشه‌ای شدن مفاهیم و ایماژهای تکراری منجر می‌شود. کاربرد اندک کنایه و ایهام نیز این نکته را تأیید می‌کند. شاعران، کودک و توانایی‌های او را در شناخت خداوند در نظر نمی‌گیرند. «کودکان از بزرگسالان انتظار دارند کمکشان کند تا کشف کنند، معنا را بیان کنند و این کمک نه در

گفتن معنا و یا توضیح آن، بلکه با رهاکردن توانایی خود آنان برای گفتن و درک معنا صورت می‌گیرد.» (استیونز، ۱۳۸۷: ۱۵۸)

استفاده شاعران از استعاره و کنایه و دیگر صورت‌های خیال با بسامد بالا به کودک کمک می‌کند که با تکیه بر تلاش و کنجکاوی و ذهنیت خود به مفهوم خداوند پی ببرد.

۵. تقسیم‌بندی ایماژ و تصاویر خداوند در شعر کودک

تصاویر ارائه شده از خداوند به چند شیوه تقسیم و بررسی شده‌اند. این تقسیم‌بندی براساس تقسیم‌بندی پروین سلاجقه در کتاب *از/این باغ شرقی* است. انواع ایماژها از نظر سلاجقه عبارتند از: الف) ایماژهای توصیفی، ب) ایماژهای کلامی - تخیلی - کنشی، ج) ایماژهای واقعی - تخیلی. (رک. سلاجقه، ۱۳۸۵: ۷۰-۷۹)

۵-۱. ایماژهای توصیفی

یکی از انواع تقسیم‌بندی ایماژها، توصیفی است. به دلیل ماهیت واقعیت این ایماژها، در ادبیات کودک و نوجوان جایگاه ویژه‌ای می‌توان برای آن‌ها در نظر گرفت. پایه و اساس شکل‌گیری این ایماژها، بستر طبیعت و زندگی است. این ایماژها بخش عظیمی از شعر کودک و نوجوان را تشکیل می‌دهد.

«برگ‌های اسفناج / تازه بود و سبز و ترد / مادرم از لای آن / یک دو برگگی کند و خورد / گفت: اجرش با خدا / اسفناجش گل نداشت / قیمتش هم بد نبود / روی هم مشکل نداشت / حس خوب مادرم / شد نسیمی مهربان / نرم و آهسته وزید / رفت توی آسمان / از دعایش آسمان / ابرشد باران گرفت / باغ سبزی کارها / زیر باران جان گرفت (کشاورز، ۱۳۹۳: ۱۴)

این نوع تصاویر در شعر شاعران مورد بررسی، بسامد زیادی دارد. شاعر با کمک عناصر طبیعت و توصیف هنری آن‌ها، تصویری زنده خلق می‌کند. در مثال فوق نیز باغ، نسیم و ابر و باران در کنار هم تصویری توصیفی به وجود آورده‌اند. «این ایماژها ممکن است تابلویی ترسیم شده از توصیف محض طبیعت باشند؛ همچنین، بیان روایی در توصیف فضای این تابلوها نقش مهمی به عهده دارد و در بسیاری از آن‌ها، ذهن روی ابژه‌ی خاصی مکتب نمی‌کند؛ دائم در گردش است؛ هر لحظه به گوشه‌ای از تابلو نظر می‌اندازد و وضعیت خاص عنصری را توصیف می‌کند و سرانجام همه‌ی آن عناصر در کنار هم، تصویر و تابلویی کلی را می‌آفرینند و ثبت می‌کنند.» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۷۲) در شعر زیر

می‌توان ایماژهای توصیفی را مشاهده کرد: «او مثل باران است / یا جنگلی انبوه / شاید که خورشید است / بالاتر از هر کوه /... ما نور و لبخندیم / عکس خدا در ماست / هر لحظه در رنگی / می‌تابد و اینجاست» (شهابی، ۱۳۹۱: ۱۳) باران، جنگل، خورشید و کوه عناصری هستند که شاعر با کنار هم قرار دادن آن‌ها تصویری توصیفی خلق کرده است. در نمونه دیگر می‌خوانیم: «تو شروع حرف‌هایی / تو رسیدن پرستو / تو همان ترانه شاد / همه جا حضور داری / تو صدای آبشاری / تو خود خود بهاری.» (لطف‌الله، ۱۳۷۹: ۱۲)

«تو گاهی در خیال من / به شکل موج دریایی / کویری، کوه و صحرائی / گلی، خوشرنگ و زیبایی / تو را احساس باید کرد / میان رنگ‌ها، بوها.» (کشاوری، ۱۳۷۷: ۲۸)

این نوع ایماژها به قصد توصیف طبیعت در یک لحظه خاص پدید می‌آید و همواره عنصر روایت را به همراه خود دارند و شاعر را در ارائه پیام موردنظر یاری می‌دهد. برای نمونه کشاوری در شعر زیر همه عناصر را به کار می‌گیرد تا مهربانی خدا را در کلامی توصیفی بیان کند: «کیه که توی دنیا / ماهی می‌ده به دریا / برف و تگرگ می‌سازه / درخت و برگ می‌سازه / به آدما خواب می‌ده / آفتاب و مهتاب می‌ده / جواب تو آسونه / خدای مهربونه.» (کشاوری، ۱۳۷۸: ۱۳)

«درختی برگ‌هایش / کسل بود و پر از خاک / که باران آمد و او / خودش را شست و شد پاک / تمام شاخه‌هایش / تمیز و سبز و شاداب / به روی برگ‌هایش / هزاران قطره‌ی آب / هزار آینه‌ی صاف / پر از تصویر خورشید / در آن آینه‌ها او / خدا را داشت می‌دید (همان: ۲۲)

۵-۲. ایماژهای واقعی - تخیلی

این ایماژها اگرچه عناصر و نقش مایه‌های خود را از جهان واقعی می‌گیرند؛ اما جایگاه اصلی شکل‌گیری آنها، «تخیل تداعی‌گری شاعرانه» است. این ایماژها مانند گروه قبلی، فقط تصاویر ساده یا واقعی طبیعت و زندگی نیستند که به ذهن هنرمند منتقل و سپس در فرآیندی هنری بازنمایی شوند و باز هم بر واقعیت دلالت کنند؛ بلکه با استفاده از عناصر واقعی، تصاویر و فضای تازه‌ای می‌سازند و آن فضای تازه را در چهارچوب‌های خاص خود قاب می‌گیرند. اگر در مقایسه‌ای بین این دو گروه، گروه اول را نوعی عکسبرداری واقعی از مناظر طبیعت بنامیم، گروه دوم، عکس‌هایی هستند که از واقعیت و طبیعت گرفته شده‌اند و در یک فرایند هنری کیفیتی تازه یافته‌اند و در فضایی انتزاعی، در

مجاورت واقعیت، ولی جدا از آن، ایستاده‌اند. (رک. سلاجقه، ۱۳۸۵: ۷۸) اینک به نمونه‌ای از این ایماژ در شعر کودک اشاره می‌شود: «خیلی برایم جالب است / این گندم زیبا و زرد / از روی خطش می‌توان / آن را به دقت نصف کرد / نصفش برای مورچه / نصفش برای یاکریم / شاید خدا می‌خواسته / یک دانه را قسمت کنیم / خط خدا این شکلی است / به به... چه خط جالبی! / پس بیخودی پیدا نشد / خط‌های روی طالبی» (هاشم‌پور، ۱۳۹۳: ۳۲) شاعر با استفاده از عناصر واقعی، تصویر و فضای تازه خلق می‌کند که محصول تخیل اوست. در شعر زیر شاعر از پدیده‌های واقعی، تصویری تخیلی و ناب خلق می‌کند. «از تو چشمان آب می‌گیرد / از تو لب‌های باغ می‌خندد / از تو چراغ می‌خندد / غرش رعد از تو می‌گوید / جنبش برگ گواه تو است.» (اسلامی، ۱۳۸۵: ۴۰)

مثل خورشیدی درخشید / روبه رویم نرگسی زرد / با نگاه گرم چشمش / در دلم آتش به پا کرد / پلکهایش حالتی داشت / نرم چون پروانه‌ای زرد / هرنگاه او دلم را / چون اناری دانه می‌کرد / لحظه‌ای احساس کردم / سنگ هستم روبه رویش / غرق بودم مثل ماهی / در میان موج بویش / روح من مثل نسیمی / رفت و با او روبه روشد / تاب خورد و رفت بالا / گیج گیج از رنگ و بو شد / عاقبت آن نرگس زرد / روح من را با خودش برد / دسته‌ای پروانه اما / توی چشمم تاب می‌خورد» (کشاورز، ۱۳۷۶: ۱۲)

شاعر چنان مخاطب را مبهوت زیبایی نرگس زرد می‌کند که روحش مثل نسیم، سفرش را تا آسمان ادامه می‌دهد سفری که این بار در آسمان متوقف می‌شود؛ این توقف کمک می‌کند تا مضمون کلی شعر را دریافت کند. ایماژ فوق برای کودک کمی سنگین به نظر می‌رسد. چرا که این ایماژها در ادبیات بزرگسال، فضایی پیچیده و گاه قابل دسترس را می‌سازند؛ اما در ادبیات کودک و نوجوان به ویژه کودک، هر چند از واقعیت جدا می‌شوند؛ اما پیوندهای خود را با آن حفظ می‌کنند. این ایماژها را می‌توان تصویرهای «کلامی-تخیلی» نامید؛ چرا که در ساختار آنها به نشانه‌های کلامی یا دال‌های واژگانی، عنصر «خیال‌پردازی و چه بسا توهم» نیز افزوده شده است.» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۸۰)

«نیلوفر امشب خنده را / در خانه مهمان کرده است / خود را میان چادرش / چون غنچه پنهان کرده است / نقش گل و پروانه‌ها / بر چادر خوش رنگ اوست / این چادر نیلوفری / مانند گل خوش عطر و بوست / پر داده از چشمان خود / نیلوفر امشب خواب را / بر جانماز کوچکش / آرام می‌خواند دعا / چون پیچکی نجوای او / تا آسمان سر می‌کشد / نیلوفر از این خانه تا / هفت آسمان پر می‌کشد» (ماهوتی، ۱۳۸۵: ۱۰) شاعر برای انتقال

معنویت و ارتباط با خدا تصویری تخیلی خلق می‌کند. عناصر و ساختار این تصویر از عالم واقعیت گرفته شده است. نیلوفر، خانه، چادر، پروانه، جانماز، آسمان، دعا، پیچک، غنچه و خواب از عناصری هستند که کودک آن‌ها را می‌شناسد.

۵-۳. ایماژ کلامی - تخیلی - کنشی

این نوع ایماژها نوعی بیان تصویری هستند که علاوه بر کلام و تخیل، عنصر «حرکت» را که معرف نوعی رفتار یا کنش فیزیکی است، به تابلوی ترسیم شده وارد می‌کنند و به گونه‌ای آن را در تصویر کلامی آفریده شده ثبت می‌کنند که در هر بار مواجهه با آن تصویر، مخاطب «حرکت» یا «کنش» مورد نظر را نیز کاملاً احساس می‌کند. (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۸۲)

«خدا سبز/ خداسرخ/ خدا آبی آبی/ خدا رنگ گلابی/ خدا آب/ خدا خاک/ خدا جنگل و دریا/ خدا سبزه‌ی صحرا/ خدا باد/ خدا ابر/ خدا نغمه‌ی باران/ خدا مثل بهاران/ خدا گل/ خدا نور/ خدا روشنی ما/ خدا در همه پیدا (خدا رنگ گلابی)» (خدادوست، ۱۳۹۱: ۵)

شاعر تصویری از خدا در قالب رنگ‌ها و پدیده‌های طبیعت به کودک نشان می‌دهد. خدا در همه جا و همه لحظات حضور دارد. شاعر از کودک می‌خواهد خدا را در تمام موجودات ببیند. این مساله به کودک مخاطب کمک می‌کند که همیشه خداوند را در زندگی ناظر رفتار و کردار خود بداند. در این نوع تصاویر علاوه بر عنصر تخیل، کنش و حرکت نیز مشاهده می‌شود. در شعر زیر می‌توان این مساله را به خوبی مشاهده کرد.

«بادبادک جان برو/ پر بزن در اوج، پر/ در میان آسمان/ دورتر شو، دورتر/ پر بزن خوشحال و شاد/ در میان آسمان/ میهمانی می‌روی؟/ هرچه می‌خواهی بمان/ آسمان مال خداست/ در دلش پرواز کن/ روی ماهش را ببوس/ ابر او را ناز کن» (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۱)

رفتار به میهمانی، پرواز کردن در دل آسمان، ناز کردن ابر و بوسیدن آسمان علاوه بر تخیل کنش و حرکت را تداعی می‌کنند. ناصر کشاورز با طرح سوال، ذهن مخاطب را آماده سفر می‌کند. سفری خیالی برای شناخت خدا. «کیست خاتمکار بال شاپرک/ شاعر خوش خط و خال شاپرک/ چيست توی بوی گردوهای کال/ لا به لای کاکل خیس بلال/ آن سر آواز بلبل‌ها کجاست/ معدن جادویی گل‌ها کجاست/ با چه شوقی بوته‌ها قد می‌کشند/ بادها خود را به مقصد می‌کشند/ کی به شب فانوس ماه آویخته/ توی دریا آب و ماهی ریخته/ موی گندمزار را کی شانه کرد/ ورد خواند و کرم را پروانه کرد؟» (کشاورز،

۱۳۷۶: ۱۲) سفر از خاتمکاری بال شاپرک، خیسی لابه لای کاکل بلال شروع می‌شود و در ادامه با عبور از معدن جادویی گلها و قد کشیدن بوته‌ها به فانوس آسمان می‌رسد. نقطه‌ی ابتدا و انتهای این جستجو یکی است. نقطه‌ای که خود سوالاتی تازه را در پی دارد. موی گندمزار را کی شانه کرد؟ در واقع شاعر حس کنجکاوی مخاطب را فعال می‌کند و به او سر نخ می‌دهد تا به آنچه می‌خواهد برسد. جدول شماره ۶ میزان بسامد ایماژهای به کار رفته در شعر کودک را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶ بسامد ایماژهای شعر کودک

۵۰	نوع اول- ایماژهای توصیفی
۲۸	نوع دوم- ایماژهای واقعی- تخیلی
۲۳	نوع سوم- ایماژهای واقعی- تخیلی- کنشی

بر خلاف ایماژ توصیفی و تخیلی، ایماژ تخیلی- حرکتی در شعر کودک نمود چندانی ندارد. به نظر می‌رسد اگر شاعران کودک در تصویرسازی‌های خود درباره خداوند بیشتر از تصاویر تخیلی- حرکتی استفاده کنند، نتیجه بهتری بدست می‌آید. نکته‌ی دیگر اینکه شاعران کمتر با کلیشه‌ها مواجه می‌شوند و توانایی ایجاد تصاویر تازه و ناب را بدست می‌آورند. استفاده زیاد از ایماژهای تخیلی- کنشی علاوه بر جذاب‌تر کردن شعر برای کودک، به او فرصت می‌دهد تا بدون کمک دیگران و در فرآیند تفکر و تلاش خویش به درک و دریافت مفهوم خداوند برسد.

۶. نتیجه‌گیری

با بررسی تصویر خدا در آثار شاعران برجسته شعر کودک نتایج زیر بدست آمد: از میان حدود ۱۲۰ مجموعه شعری، شمار اندکی از اشعار به موضوع خداوند و گفت‌وگوی کودک با خدا پرداخته است. از این تعداد فقط ۳ مجموعه شعری مستقل درباره خدا دیده می‌شود که این تعداد پاسخ گوی نیاز مخاطب نیست. کودک از طریق شعر، می‌تواند تصویری روشن و ملموس از خدا داشته باشد. تصویر خداوند در شعر شاعران مورد بررسی (حدود ۳۰ شاعر) بیشتر از طریق پدیده‌های طبیعت به کودک ارائه شده است. اغلب این تصاویر کلیشه‌ای هستند. شاعران می‌توانند با استفاده بیشتر از ایماژها و صورت‌های خیالی شعر نظیر استعاره، مجاز و

کنایه، کودک را با شیوه غیرمستقیم با مفهوم خداوند آشنا کنند که بسامد ایماژهای تخیلی - کنشی و دیگر آرایه‌های ادبی چندان زیاد نبود.

اغلب تصاویر از نوع تصاویر توصیفی است. تصاویری که نقش تخیل در آن‌ها کم رنگ است و بیشتر به توصیف عناصر طبیعت می‌پردازد. اگر شاعران بتواند تصاویر همراه با تخیل و کنش برای ارائه مفهوم خداوند ایجاد کنند، بهتر می‌توانند کودک را در شناخت خداوند یاری دهند. از میان سه نوع ایماژ بررسی شده، سهم تصاویر تخیلی و کنشی کمتر از دو نوع دیگر است. بیش از ۵۰ تصویر توصیفی وجود دارد؛ درحالی که تصاویر خیالی - کنشی ۲۳ مورد است. شاعران کودک برای ارائه مفهوم و تصویر خداوند از آرایه‌های ادبی و صورت‌های مختلف خیال استفاده کرده‌اند. با این تفاوت که تشبیه بیشترین بسامد را دارد. از میان انواع تشبیه؛ تشبیه حسی بیشترین تکرار و کاربرد را داشته است. این مساله نشان می‌دهد که شاعران از تصاویر انتزاعی در ارائه تصویر خداوند چندان استفاده‌ای نکرده‌اند. اغلب اشعاری که خداوند را به تصویر کشیده‌اند، از نظر صورخیال و تصویرپردازی ضعیف بوده‌اند. استفاده از کلیشه‌ها و کاربرد تعابیر و تصاویری تکراری از دیگر آسیب‌های موجود در برخی از اشعار بود. مفهوم خدا بیشتر به شیوه مستقیم ارائه شده است.

الفاظ و صفات خداوند در شعر شاعران، اغلب تکراری هستند. در حالی که شاعران می‌توانند اسما و صفات بی‌شمار خداوند را در شعر انعکاس دهند و به الفاظی مانند: خداوند، خدا، رب و... اکتفا نکنند. همچنین علاوه بر صفات جمالی از صفات جلالی خداوند نیز استفاده کنند تا شناخت کودک از خدا کامل‌تر شود. شناخت خدا در شعر کودک بیشتر معطوف به پدیده‌های بیرونی است و (خود) کودک و تجلی خداوند در وجود او یا کلا (انسان) بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است. بیشتر اشعار مربوط به خدا در شعر کودک، بر موضوعات حاشیه‌ای متمرکزند کمتر مشاهده می‌شود که شاعر مستقیم با خدا گفتگویی داشته باشد یا دست به ستایش شاعرانه‌ی او بزند.

منابع

ابراهیمی شاهد، جعفر. (۱۳۶۵). *باغ سبز شعرها*. تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

استیونز، جان. (۱۳۸۷). «نقد و نظریه ادبیات کودک در ایران: موقعیت‌ها، ویژگی‌ها و ضرورت‌ها». ترجمه‌ی اسماعیل حسینی، در: *دیگرخوانی‌های ناگزیر*، به کوشش مرتضی خسرونژاد، تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

- اسلامی، مریم. (۱۳۸۵). *صدای بال لک لک‌ها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بکناش، غلامرضا. (۱۳۸۵). *رونویسی از بهار*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۹۱). *با دو چشمم می‌چشم*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- حاجی نصرالله، شکوه. (۱۳۸۴). «چگونگی طرح مفاهیم انتزاعی در ادبیات کودک». *پژوهشنامه کودک و نوجوان*، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۶۲-۷۵.
- حداد، حسین. (۱۳۸۱). *درباره ادبیات و هنر دینی*. تهران: نیستان.
- حسینی، محمدحسن. (۱۳۸۴). *کلاس بهار*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۸۵). *شعر دعا (مجموعه شعر شاعران)*. تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوانان.
- خدادوست، احمد. (۱۳۹۱). *خدا رنگ گلابی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۹۱). *تنها خدا فهمید*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- خوشبخت، فریبا و مزیدی، محمد. (۱۳۸۳). «بررسی شکل‌گیری مفهوم خدا در کودکان ایرانی». *همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی*. صص ۲۱-۳۹.
- رحماندوست، مصطفی. (۱۳۷۶). *چشمه‌ی نو*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رحیمیان، سعید؛ جبار، عظیم؛ سودابه، شکرالله‌زاده. (۱۳۸۹). «مفهوم کودکان خدا در شعر معاصر ایران و امریکا». *فلسفه دین*، دوره ۷، شماره ۸، صص ۱۳۳-۱۶۰.
- رسول‌زاده، کاظم و همکاران. (۱۳۸۶). «بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خصوصیت ادراکی کودکان دبستان بر درک آنها از مفهوم خدا». *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه الزهراء*، دوره ۳، شماره ۴، صص ۲-۱۸.
- رهنما، شاهین. (۱۳۹۲). *غم‌های قلابی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- زارعی، احمد. (۱۳۷۵). *یک قطعه آسمان*. تهران: کانون پرورش فکری.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سلاجقه، پروین. (۱۳۸۵). *از این باغ شرقی*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

سیدرضایی، طاهره و حسنی، طاهره. (۱۳۹۰). «تعاملی در سطح فکری شعر کودک و نوجوان». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۴، پیاپی ۱۴، صص ۱۵۵-۱۷۷.

شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۸۵). *بابا و باران*. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
شعبانی، اسدالله. (۱۳۸۵). *رنگین کمان کودکان*. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
شهابی، طاهره. (۱۳۹۱). *شبیهِ صبح خرداد*. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
علا، افشین. (۱۳۷۷). *نسیم دختر باد*. تهران: قدیانی.

کشاوری، ناصر. (۱۳۷۶). *بوی گردوهای کال*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۷۷). *میوه‌هایشان سلام، سایه‌هایشان نسیم*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

_____ (۱۳۷۸). *باغ رنگارنگ آواز قشنگ*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

_____ (۱۳۹۳). *قد سر سوزن*. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
لطف‌الله، داود. (۱۳۷۹). *کاش باران می‌شدم*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

ماهوتی، مه‌ری. (۱۳۸۵). *نماز چشمه پاک‌ها*. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
نعمت‌اللهی، فرامرز. (۱۳۸۹). *ادبیات کودک و نوجوان*. تهران: مدرسه.

هاشم‌پور، مریم. (۱۳۹۰). *میو میو تشکر*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
_____ (۱۳۹۳). *یک قوری پر از قور*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۹۴). *کفشی به رنگ کفش دریا*. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.